



ماموریت ما در آخر زمان تاریخ مشیت الهی

سخنان پدر راستین در جمع سه هزار نفر از رهبران سیاسی و مذهبی
از گوشه و کنار دنیا در هتل ماریوت - واشنگتن
سیزدهم دسامبر سال دو هزار و چهار

رهبران محترم کشورهای مختلف دنیا، نمایندگان تمامی مذاهب و ملت‌ها!
بیانید بیش از هر چیزی قلبهای خود را با هم یکی کنیم. بیانید تا مراتب قردانی و سپاس خود را در برابر خدا، والدین راستین
تمامی آفرینش و سرور عشق راستین بعمل آوریم. بیانید تا امروز را بعنوان روزی با ارزشی والا بسازیم، روزی که بخاطر فراهم آوردن يك
پایه‌ی تازه برای آمریکا در خاطره‌ها باقی بماند.

جنگ سرد بشریت را بمدت نیم قرن در اسارت ترس و ناامنی نگهداشت و کمونیست نابکار و دورو مردم با ایمان و تمامی بشریت
را فریب داد، اکنون با به پایان رسیدن این دوره ما در يك قرن تازه زندگی می‌کنیم، با این همه چقدر در امنیت و خوشحالی هستیم؟
به دنیا نظر بیافکنید. جوانان که اکنون از بند کمونیست رها شده‌اند، به حدی از آزادی خود لذت می‌برند که با شتاب در خطر
غوطه‌ور شدن در پرتگاه فساد اخلاقی هستند. آنها به جای اینکه در جستجوی ایده‌آل آفرینش خدا باشند، دیدگاههای فردگرایی خودخواهانه را
پذیرفته و برده‌ی فحشاء شده‌اند. این امر مسبب شیوع تمامی انواع پلیدی‌های اجتماعی است. فعالان همجنس‌گرا پرچم "جنش همجنس بازان"
را برافراشته و از ازدواج بین افراد از جنس یکسان دفاع می‌کنند. بطور ساده، این وضعیت بی تمدنی و بی فرهنگی است که خدا و بشریت را
خشمگین می‌سازد. برای چند لحظه، دنیایی را تصور کنید که نتیجه‌ی آن چیزی است که آنها از آن جانبداری می‌کنند، در آن دنیا بشریت در
طی دو نسل منقرض خواهد شد.

آنهایی که از خواست خدا روی برمی‌گردانند، قبر خود را در خاک فساد اخلاقی و انحطاط حفر می‌کنند. بیماری علاج ناپذیری چون
بیماری شناخته شده‌ی ایدز، يك نشانه‌ی الهی از این موضوع است. آیا درست نیست که همین لحظه که ما در این مکان نشسته‌ایم، این مصیبت
ملعون، هزاران نفر از مردم بی‌گناه را مبتلا می‌کند؟ اینطور نیست که آنها را به راه مرگ می‌کشاند؟
مصیبت شناخته شده‌ی دیگر، طلاق است که ارزش‌های خانواده را نابود کرده و بشریت را به سوی بحرانی بی‌سابقه سوق می‌دهد.
(در این وضعیت) فرزندان ناگهان خود را از والدین خود جدا دیده و توسط ناپدری یا نامادری بزرگ می‌شوند. در بعضی از موارد، آنها حتی
در پرورشگاهها و یتیم‌خانه‌ها قرار می‌گیرند. آنها گناهی ندارند، با این وجود قلب کوچک و ضعیف آنها به دستان ترس و وحشتی سپرده شده
که هرگز التیام نخواهد یافت. چه کسی عشق والدینی را که از آنها گرفته شده، جبران خواهد کرد؟

حال نگاه خود را به سوی جنگ و ستیز در خاورمیانه برگردانیم. چیزی که بعنوان درگیری بین مذاهب آغاز شد، اکنون تمامی دنیا
را در بوته‌ی آزمایش ترس از تروریسم و کشت و کشتار خرد کرده است. در این هنگام، شبه جزیره‌ی کره، موطن من، بطور فاجعه آمیزی
تنها کشور تقسیم شده‌ی دنیا باقی مانده است که همچنان روز اتحاد خود را با خواستی عمیق انتظار می‌کشد. به چه وسیله‌ی ممکن قادر هستیم
تا دنیای امروز را، یعنی جایی را که اصول اخلاقی و ارزش‌های خانواده در آن کاملاً تحقیر شده‌اند، نجات دهیم؟
رهبران گوشه و کنار دنیا، امشب می‌خواهم پیامی تازه را از جانب خدا برای شما و شش میلیارد انسان این عصر بیان کنم که هم
فرمان او و هم الهامی از جانب او می‌باشد. موضوع این پیام "ماموریت ما در آخر زمان تاریخ مشیت الهی." می‌باشد.

ظهور والدین راستین

سقوط آدم و حوا، اولین اجداد بشری، ما را در دخمه و سیاه چال عشق دروغین، زندگی دروغین، و نسب خونی دروغین محبوس
کرد. ما زنجیرهای جهنمی رنجش غیرقابل درک را کشان کشان با خود حمل می‌کنیم. تمامی مردم بدون استثناء نسب خونی تکثیر شده‌ی
شیطان در طول دهها هزار سال تاریخ را به ارث برده‌اند. ما بدون هیچگونه رخصتی جز پیش گرفتن يك زندگی لکه دار شده با دروغ و
پلیدی، در این تاریخ گرفتار آمده‌ایم. این فرجام بشریت است و علیرغم تلاش آنها، هیچ راه فراری از این مخصمه و گرفتاری وجود ندارد،
بشریت با اشتیاق بسیار منتظر روزی بود که کسی آنها را از این وضعیت سقوط کرده نجات دهد. بشریت در غم و اندوه رنج برده،
و در پلیدی و دروغ گرفتار آمده است، زیرا به علت سقوط اولین اجداد بشری هر کسی به نسب خونی کثیف و هراس انگیز شیطان وابسته
شده است. برای همین آنها منتظر آمدن کسی هستند که از نسب خونی بهشتی بوده و هیچ ارتباطی با نسب خونی شیطان نداشته باشد. آنها
والدین راستین، یعنی کسانی هستند که می‌توانند ما را از بند اسارت شیطان رهائی بخشند.

ما باید این موضوع را درک کنیم که بشریت در موقعیتی قرار دارد که شیطان را والدین خود به حساب می‌آورد. بر اساس دیدگاه کتاب مقدس، ما در مقام درختان زیتون وحشی هستیم که از ریشه‌ی اصلی جدا شده است. والدین راستین، که بعنوان مسیح و نجات دهنده برای تمامی بشریت فرستاده شده‌اند، ماموریت دارند تا ریشه‌ی تنومند شده‌ی دهها هزار ساله‌ی درخت زیتون وحشی را بدون هیچگونه ترحمی قطع کرده و آنها را به درخت زیتون راستین پیوند بزنند. این بیانی دیگر از تعبیر نسب خونی بشریت است. والدین راستین آمدند تا این تلاش عظیم انقلابی را در سطح بین المذهبی و بین‌المللی تکمیل کنند.

والدین راستین نمی‌توانند در هر جا و یا هر زمانی، یا بنا به خواست کسی، ظهور کنند. آنها تنها در آخر زمان مشیت شده می‌توانند ظهور نمایند. عبارت "آخر زمان" به معنای لحظه و دوره‌ای است که در آن مشیت بازسازی تداوم یافته توسط خدا در طول تاریخ، به میوه‌ی نهایی می‌نشیند. از طرفی دیگر، ما تنها با توجه به بخت و اقبال بهشتی در ارتباط با عصر اصیل والدین راستین قرار گرفته‌ایم.

مشیتی الهی برای نجات بشریت توسط خدا هدایت می‌شود، چطور می‌توانید بفهمید که در کجای آن ایستاده‌اید؟ تنها والدین راستین که با عشق، زندگی و نسب خونی بهشتی آمده‌اند، از زمان مشیت شده آگاهی دارند. آنها با این شناخت در همراهی با آن کار کرده تا نتیجه‌ی نهایی آن حاصل شود. تنها والدین راستین با اختیار حاکمیت بر دنیای روح می‌آیند. آنها با این اختیار موسسین چهار مذهب بزرگ و بسیاری از اجداد خوب شما را در دنیای روح بسیج کرده‌اند تا برای زندگی ابدی شما مسئولیت تقبل کنند.

رهبران عزیز از سراسر دنیا! بدون توجه و آگاهی شما، بشریت به يك حوزه‌ی تازه‌ی شکوه پا گذاشته است. بخت و اقبال با عظمت خدا فرا رسیده است. من آشکارا به بهشت و زمین اعلام می‌کنم که خداوند مرا برگزیده و به من ماموریت والدین راستین بشری را اعطاء نموده است. ما اکنون در آخر زمان مشیت الهی بسر می‌بریم. اکنون زمان برکت مقدس است که از طریق آن نسب خونی بشریت از نسب خونی شیطان به نسب خونی خدا تغییر خواهد کرد. اکنون عصر بعد از ظهور بهشت در حوزه‌ی "سنگ هب شیب سانگ"—روزی که دوره ی قبل از ظهر بهشت با دوره‌ی بعد از ظهر بهشت اتمام می‌شوند.-- گسترش پیدا می‌کند. در عصر قبل از ظهور بهشت آنهایی که در پی پلیدی بوده‌اند، کامیاب شده و تشخیص بین خوبی و بدی بسیار دشوار بود. اکنون دیگر خدا از گناه دنیای بیمار و بی نظم چشم پوشی نمی‌کند.

در مسیر زیستن بر اساس راه خدا امید بسیاری داشته باشید. شما می‌توانید شبیه خدا با خصوصیات مطلق، یگانه، تغییر ناپذیر و ابدی بشوید. زندگی کردن برای دیگران را پیش گیرید که در اینصورت در مسیر انقلاب شخصیت قرار خواهید گرفت. پیروی از این راه به ما توانایی تاسیس پادشاهی خدا را بر روی زمین خواهد داد که همان پادشاهی صلح است که همگی ما می‌توانیم در آن زندگی کنیم و خداوند با صبر و شکیبایی منتظر فرار رسیدن چنین چیزی است.

ماموریت آزادسازی موطن

عبارت "آزادسازی موطن" شاید ناآشنا بنظر برسد. حتما می‌اندیشید که شما موطن خود را از دست نداده‌اید، پس نیازی به باز یافتن آن ندارید. ولیکن موطنی که من امروز به آن اشاره می‌کنم، با آنچه که شما معمولاً به آن فکر می‌کنید فرق دارد. من به موطن اصیل و راستین، یعنی پادشاهی خدا بر روی زمین، اشاره می‌کنم که در زمان سقوط اولین اجداد بشری، آدم و حوا، از دست رفت.

دنیا به چه صورت می‌بود اگر سقوط رخ نمی‌داد؟ (در آن دنیا) خدا می‌توانست به آدم و حوا برکت ازدواج بدهد و آنها می‌توانستند به فرزندان راستین بدون گناه تولد داده و خود والدین راستین بشوند. سپس آن خانواده می‌توانست هسته‌ی مرکزی پادشاهی خدا بر روی زمین بشود. فرزندان آنها نسل سوم حوزه‌ی خدا را بوجود آورده و متمرکز بر خدا، قادر بودند تا پادشاهی ابدی صلح را بر روی زمین تاسیس کنند. آدم و حوا می‌توانستند شاه و ملکه‌ی قبیله‌ی آدم، مردم آدم و کشور آدم باشند که این نماینده‌ی حوزه‌ی سه عصر می‌باشد. بر این اساس پادشاهی آدم می‌توانست تا به ابد تداوم داشته باشد، که این می‌توانست موطن ابدی بشریت، یعنی پادشاهی صلح باشد.

اما متأسفانه تاریخ آنچنان روان آغاز نشد. سقوط آدم و حوا بشریت را بمدت دهها هزار سال بی‌سرپرست ساخت. ما موطن خود را از دست داده و بسان خانه بدوشها به اینجا و آنجا در حرکت بوده و برای دریافت غذا به گدایی پرداختیم. بشریت قرار بود تا به خدا در مقام والدین راستین عمودی ملازمت کند و بر این اساس تمامی مردم جهان می‌توانستند با توجه به اصول ایمان مطلق، عشق مطلق و اطاعت مطلق در قالب يك خانواده زندگی کنند. بر عکس ما خودمان را جدا شده از یکدیگر با تمامی انواع موانع و مرزهای بین‌المللی ریشه گرفته از شیطان، یافتیم.

پس معنای راستین آزادسازی موطن چیست؟ چگونه می‌توانیم انجام چنین چیزی را آغاز کنیم؟ آزادسازی موطن به معنای تبدیل کردن این دنیا به صورت يك کشور تازه، یا موطن راستین می‌باشد. ما این سرزمین را در هیچ گوشه‌ای از دنیای امروز نخواهیم یافت. این سرزمین بدنبال مراحل بازآفرینی از طریق عشق بوجود می‌آید. موطن تازه‌ی خدا بدون مرز است که بعنوان بخشی از آفرینش اصیل خدا هیچگونه رابطه‌ای با سقوط ندارد. از اینرو آزادسازی موطن با يك زندگی عشق راستین آغاز می‌گردد که ما در آن حتی دشمن خود را دوست می‌داریم.

اگر ما سويا بکاریم، سويا برداشت خواهیم کرد و اگر لوبيا قرمز کشت کنیم، لوبيا قرمز برداشت خواهیم کرد. اگر انتقام—که بذر شیطان است—را بکاریم، میوه‌ی پلیدی یا خونریزی بیشتر را برداشت خواهیم کرد. بعبارت دیگر، هر جا که ما با بخشش و در آغوش گرفتن دشمن، بذر عشق راستین را کشت کنیم، درخت خوبی رشد خواهد کرد. این امر قانون جهان شمولی است که هرگز با شکست روبرو نخواهد شد. ما در مسیر دوست داشتن دشمن خود می‌توانیم موطن راستین بشریت، یعنی سرزمین پدری خدای راستین را بیابیم. این مسیر از دوست داشتن دشمنان فردی آغاز شده و به دوست داشتن دشمنان خانواده، دشمنان قبیله، دشمنان کشور و دشمنان دنیای ما گسترش پیدا می‌کند. این مراحل چگونگی تاسیس سنت عشق، زندگی و نسب خونی راستین می‌باشد.

شما بعنوان رهبران دنیا، فکر می‌کنید چه ماموریتی دارید؟ تا زمانیکه حاکمیت شیطان بر دنیا مستولی است، شما واقعاً صاحب کشوری نیستید. من می‌دانم که چیزی در حدود دویست کشور در دنیا وجود دارد، اما آیا حتی يك کشور توانسته است خواست خدا را بواقعیت درآورد؟ آیا حتی یکی از آنها موطن راستین خدا و بشریت می‌باشد؟ شش میلیارد انسان روی زمین، بدون هیچ گناهی از جانب خودشان بعنوان بازماندگان شیطان متولد شده و نسب خونی دروغین او را بر دوش می‌کشند. صرف نظر از اینکه شما شهروند آمریکا، ژاپن یا هر کشور دیگری که باشید، عشق شیطان، زندگی شیطان و خون آلوده‌ی شیطان هنوز در بدن شما جریان دارد و تا زمانیکه این ارثیه‌ی آلوده‌ی سقوط را

از وجودتان پاک نکنید، رویای آزدسازی موطن را هرگز بواقعیت درنخواهید آورد. برای انجام این امر، هر يك از شما باید انقلاب شخصیت و انقلاب عشق راستین را تجربه کنید.

سه انقلاب بزرگ عشق راستین

چگونه می‌توانیم انقلاب شخصیت را به انجام رسانده و شبیه خدا شویم؟ چون ما از سقوط بجای مانده و با طبیعت‌های سقوط کرده دنیا آمده‌ایم، هر کدام از ما باید برای نیل به کمال شخصیت خود در مسیر سه انقلاب بزرگ پا بگذاریم. من این سه انقلاب را انقلاب از طریق پرداخت غرامت، انقلاب وجدان، و انقلاب قلب می‌خوانم.

"انقلاب از طریق پرداخت غرامت" به معنای بازسازی حق مالکیت درونی و بیرونی خود از طریق پرداخت غرامت برای گذشته است. بدنبال انجام پیروزمندانه‌ی این کار، شما باید بر اساس استانداردی زندگی کنید که ورای آن هیچ نیازی به پرداخت غرامت نیست. برای انجام این امر الزامی است که شما، قبل از فرارسیدن بهشت خود را از هرگونه عادات و افکاری که در طی سالیان بسیار انباشته‌اید پاک و منزه بسازید. این موضع زمانی تحقق می‌یابد که شما آن را در حوزه‌های فردی، خانواده و ملت به انجام برسانید.

بر این اساس شما قادر خواهید بود تا خانواده‌ی ایده‌آل، یعنی يك خانواده‌ی عشق راستین را بر اساس ارزشهای عشق مطلق، بعنوان استاندارد برای زندگی در دوره‌ی بعد از فرارسیدن بهشت، به انجام رسانده و تکمیل کنید. در خانواده‌ی ایده‌آل خدا، این ارزشهای مطلق در خانواده‌ی متشکل از سه نسل والدین، شوهر و زن و فرزندان، کامل خواهند شد.

مرد و زن تنها پس از تولد فرزندان است که می‌توانند در مقام مالک راستین عشق والدینی بایستند. تنها بعد از ازدواج است که يك مرد با عزیز شمردن همسر خود، قادر خواهد بود تا مالک راستین عشق زناشویی بشود. بطور مشابه، خواهر و برادر کوچکتر هستند که خواهر و برادر بزرگتر را مالک راستین عشق خواهر و برادری می‌سازند. بنابراین در هر گونه روابطی، زوج معمولی است که زوج فاعلی را در جایگاه و مقام مالک راستین عشق قرار می‌دهد. برای تحقق این امر زوج فاعلی باید برای خاطر زوج معمولی زیسته، خود را برای او وقف کرده و فراموش کند که چنین کرده است و بدین ترتیب خود را برای هدفی والا تر فدا کند. اینجا است که ما ارزشهای مطلق را بوجود می‌آوریم که ابدی و تغییرناپذیر هستند. بدینگونه، والدین، شوهر و زن، و فرزندان تکامل مالک راستین عشق را برای یکدیگر به ارمان می‌آورند. از این راه آنها حوزه‌ی سه نسل را در خانواده بوجود می‌آورند، خانواده‌ای که در حوزه‌ی ابدی یگانگی، استقرار خواهد یافت. آنها با ارزشهای مطلق در يك فضای همراه با اتکای متقابل و پیوند ابدی با خدا زندگی می‌کنند.

علاوه بر این، شما با بازگرداندن تمامی دارائی و حق مالکیت خود به خدا، گامی انقلابی برمی‌دارید. از وابستگی‌هایی که جدایی آنها به تعویق انداخته شده دست بردارید. این امر تمامی پیوندهای شما را با دنیای شیطانی قطع کرده و شما را از شیطان جدا می‌سازد. در عوض، شما همه‌ی آن چیزها و حتی بیشتر از آن را با برکات خداوند به ارث خواهید برد. به عبارت دیگر، شما ثروت و دارائی‌های خدا را می‌اندوزید، یعنی دارائی‌هایی را که از شیطان جدا شده و او هرگز نمی‌تواند مالکیت آنها را ادعا کند.

انقلاب وجدان چیست؟ انقلاب وجدان، انقلاب درونی است که شما بواسطه‌ی آن می‌توانید بطور مطلق مطیع وجدان خود شوید. شما نمی‌توانید رنج حاصل از درگیری پایان ناپذیر درون خود را انکار کنید. وجدان شما که تمایل بسیاری بسوی خوبی دارد، در مقابله با تمایلات جسمی‌تان در تقلا است. برای پایان دادن به این کشمکش ننگین درونی، ضروری است تا شما وجدان و عملکرد آن را به روشنی بشناسید.

وجدان شما بطور موشکافانه از هر گونه عملکرد شما، هر قدم شما و هر فکر شما آگاهی دارد. قبل از استاد روحی، وجدانتان (از هر موضوعی) اطلاع دارد. قبل از اینگه والدین شما بدانند، وجدان شما آگاه است. قبل از اینکه خدا بدانند، وجدان می‌داند و این وجدان است که در هر حالتی، انجام کار درست را به شما گوشزد می‌کند. نتیجه‌ی زیرپا گذاشتن وجدان چیست؟ در آن صورت شما احساس گناه می‌کنید. گرد و غباری بر روی روح شما می‌نشیند و آن را آلوده و خراشیده می‌سازد. این زخمهای روحی را هرگز نمی‌توان التیام بخشید. آنها بسان چمدان ترسناکی هستند که شما در زمان ورود به دنیای روح با خود حمل می‌کنید. من يك فرمان والا را ندا می‌دهم که -از شما می‌خواهد- تا با تلاش در مسیری انقلابی بر امیال جسمی خود غلبه کرده، راهنمایی‌های وجدان خود را پذیرفته و در یگانگی با خدا زندگی کنید. وضعیت پاک، شفاف و فاقد هر گونه عیب روح خود را گرامی بدارید.

انقلاب سوم، یعنی "انقلاب قلب" چیست؟ خدا انسانها را در مقام فرزندان خود آفرید. در این صورت چه چیزی است که شما و خدا را به هم پیوند می‌زند؟ آن عشق راستین و قلب راستین موجود بین والدین و فرزندان است. اگر والدین و فرزندان متمرکز بر قلب راستین رابطه برقرار نکنند، چگونه می‌توانند رابطه‌ی عشق و احترام راستین را حفظ کنند.

ما برای هزاران سال است که در حوزه‌ی سقوط زندگی کرده‌ایم. قلبهای ما به بردگی تحت تسلط والدین کاذب، عشق کاذب و نسب خونی کاذب ادامه می‌دهند. برای از بین بردن این یوغ بندگی، شما باید بطور مداوم با فداکاری، وقف کردن، عفو کردن همراه با عشق راستین زندگی کنید. شیطان از این نوع زندگی به بالاترین شکل متنفر است. شما با انجام این کار به حوزه‌ی بازمی‌گردید که قلب خدا در آن حکومت می‌کند.

اگر قلب شما به خودخواهی‌های فردگرایانه وابستگی داشته و در پی پوچی عظیم دنیای شیطانی است، شما در يك مسیر سیاه و حزن‌انگیز بسر می‌برید که پایان آن افسردگی و سرخوردگی است. بعبارت دیگر اگر شما يك زندگی سازنده داشته و اولین فردی باشید که در وقف کردن برای دیگران گردن بنهید، آنگاه قلب شما در يك یگانگی ابدی با قلب خدا پیوند می‌خورد. برای انجام این امر، لازم است که شما وابستگی‌های قلب خودتان را با والدین کاذب قطع کرده و از طریق برکت ازدواج مقدس بنیان نهاده شده توسط والدین راستین به نسب خونی خدا پیوند حاصل کنید. شما از طریق والدین راستین که مظهر خدای نامرئی هستند، عشق راستین و نسب خونی خداوند را تضمین خواهید کرد.

مسئولیت فرستاده‌ی ویژه

خانمها و آقایان محترم، شما تا به این زمان يك زندگی کاملاً سنتی را پیش گرفته بودید. اما اکنون من شما را برای تقبل ماموریت فرستاده‌ی ویژه‌ی خدا فرامی‌خوانم. در سطح فردی تفاوت‌های بسیاری بین ما وجود دارد. ما بزرگ یا کوچک، پهن یا باریک، بلند یا کوتاه هستیم.

علیرغم تفاوت‌های موجود، خدا به همه‌ی ما ماموریت داده تا فرستاده‌ی ویژه‌ی او بشویم. بیایید میهن پرستانی بشویم که با افتخار از نسب خونی خوبی خدا پاسداری می‌کنند. بیایید تا با اختیار الهی راسخانه ایستاده و به ندای آزادسازی موطن خود پاسخ بگوییم.

چگونه می‌توان صلاحیت مامور ویژه‌ی الهی را کسب کرد؟ میل به آزادسازی موطن در درون شما باید هزار بار بلکه دهها هزار بار بیشتر از میل شما به واقعیت‌های کنونی باشد. شما باید مصمم بشوید که حتی با فدا کردن زندگی خودتان موطن خود را آزاد می‌کنید. خوردن و خوابیدن، آمدن و رفتن، و هرگونه عملکرد شما باید برای تاسیس پادشاهی صلح باشد.

کتاب مقدس می‌آموزد، "نخست در پی پادشاهی او و درستکاری او باشید." با اطمینان خاطر به پیش بروید، زیرا در عین اینکه بدن جسمی شما به حوزه‌ی دنیای شیطانی تعلق دارد، شما با یک نسب خونی راستین تولد دوباره یافته‌اید. شما فرستاده‌ی ویژه‌ی خدا برای تاسیس موطن اصیل هستید.

آیا وضعیت بد خدا را تشخیص می‌دهید؟ او والدینی است که در یک لحظه فرزندانش را از دست داد و به اجبار به تحمل یک تاریخ مملو از خشونت و بدرفتاری وادار شد و در اندیشه‌ی گسترش خواستش، به هر سو که روی آورد، متوقف شد. بیایید دختران و پسران خلفی بشویم که از صلاحیت و استعداد فهم قلب اندوهبار خدا برخوردار هستند. تا زمانیکه از حقیقت آگاهی نداشته و آن را به مرحله‌ی اجرا درنیابید، چگونه می‌توانید یک رهبر باشید؟

رهبران جهان، به این موضوع بیندیشید که چگونه به اینجا آمده‌اید. آیا بطور ساده نیمی به خاطر کنجکاوی و نیمی دیگر با خلوص نیت به اینجا آمده‌اید با این امید که از یک جشن کریسمس لذت ببرید؟ چه خوشتان بیاید و چه خوشتان نیاید، شما امروز ندای خداوند را دریافت کرده‌اید. من خودم زمانیکه یک نوجوان شانزده ساله بودم، ندای خدا را دریافت کردم. آن ندا را پذیرفته و از آن زمان تمامی زندگی خودم را در طی هشتاد سال با گام نهادن در مسیر اشک، عرق و خون سپری کردم. این زندگی برای نجات بشر از سلطه‌ی شیطان و به ارمغان آوردن حوزه‌ی آزادی راستین و رهایی کامل برای خدا بود. همانطور که من چنین کردم، شما نیز اکنون می‌توانید خواست والای خدا را برای بشریت و صلح در سطوح بین‌المللی و بین‌مذهبی به انجام برسانید. بدینگونه شما قادر خواهید بود تا ماموریت مقدس تاسیس موطن اصیل را به انجام برسانید.

شما و رورند موم با این ویژگی مشخص ایمان مطلق، عشق مطلق و اطاعت مطلق داشتن یکی هستید. قرار است که شما و همینطور من، والدین راستین و پادشاه و ملکه‌ی راستین صلح بشویم. امروز اقبال بهشتی با ما است. ما اکنون از این فرصت برای تاسیس موطن اصیل برخوردار هستیم که همچنین سرزمین پدری خداوند خواهد بود. شکل‌گیری این سرزمین به حاکمیت، قلمرو و مردمی الهی نیاز دارد. نسب خونی خوبی خدا باید در تمامی آن سرزمین با قدرت تمام گسترش یافته و ضربان تاریخ مشیت الهی باید بگونه‌ای احساس شود که در هیچ جا و زمان دیگری تجربه نشده است. اگر اکنون امکان تاسیس این سرزمین وجود دارد، شما چطور می‌توانید تردید داشته باشید؟ لطفاً ماموریت فرستاده‌ی ویژه‌ی خدا را به انجام رسانده و بسان پیامبرانی زندگی کنید که وعده‌ی زندگی ابدی دریافت کرده‌اند.

خانمها و آقایان محترم، من اخیراً کانون مردم مغول برای صلح جهانی، یعنی نهضتی برای گردهم جمع آوردن تمامی بازماندگان مغول در سطح جهانی، را تاسیس کردم. قصد من بطور حتم ملیت‌گرایی نبوده بلکه (ایجاد) نهضتی جامع برای ایجاد صلح می‌باشد. مردم با اجداد مغولی، بازماندگان هابیل و سام-به ترتیب پسران بزرگ آدم و نوح-- هستند. خدا خانواده‌ی نوح را فراخواند تا اشتباهات تاریخی شکل گرفته در خانواده‌ی آدم را از طریق پرداخت غرامت به وضعیت اولیه بازسازی نمایند. اکنون در آخرین مرحله‌ی مشیت الهی، بازماندگان سام می‌توانند ماموریت خود را در مقام فرزند ارشد در میان تمامی بشریت به انجام برسانند. از اینرو، کانون مردم مغول، نهضتی برای آرامش دادن به قلب دردمند خدا بواسطه‌ی خانواده آدم می‌باشد، که در آن هابیل به قتل رسید و او بمدت صد و سی سال در انتظار بود تا "شیث"-- پسر سوم آدم-- را بیابد. کانون مردم مغول، نهضتی برای ساختن تمامی دنیا بصورت یک خانواده و یک برادری از طریق قدرت دادن به ما در فروریزی دیوارهایی است که قلبهای ما را از یکدیگر جدا ساخته است. با این امید که تمامی بشریت در یک جامعه‌ی ترسیم شده از اتکای متقابل، رفاه همگانی و ارزشهای مشترک جهانی زندگی کنند. این حرکت یک گام مشیت شده برای تسریع بخشیدن در امر تاسیس موطن خدا است.

من فکر می‌کنم که ما باید مراتب قدرانی خود را در برابر خدا و والدین راستین بعمل آوریم. آنها روشنی بخش (فهم و درک) ما در ارتباط با عصر مشیت شده‌ی شگفت‌انگیزی بوده‌اند که اکنون ما در آن زندگی می‌کنیم. آنها همچنین به ما در مقام فرستاده‌ی ویژه، ماموریت باشکوه تاسیس پادشاهی خدا را اعطاء نموده‌اند. ما بطور ابدی و با قدرانی از والدین راستین سپاسگزاری می‌کنیم که عصر گشایش بهشت و زمین بعد از ظهور بهشت را افتتاح نموده‌اند. به همین خاطر ما مراسم تاجگذاری برای پادشاه صلح را امروز به والدین راستین تقدیم می‌کنیم. این امر در تاریخ بی‌نظیر بوده و هرگز در آینده هم تکرار نخواهد شد. والدین راستین حوزه‌ی آزادی راستین و رهایی کامل را بنا کرده‌اند. بسان طلوع نورانی خورشید از آسمان شرق، اکنون اقبال بهشتی بر تمامی مردم می‌درخشد. پرده‌ی تاریکی که ما را برای دهها هزار سال در خود پوشانده بود، سرانجام کنار زده می‌شود و فرمان الهی برای انجام خواست خداوند در قلبهای شما ریشه می‌دواند. این راه سرنوشتی است که شما نمی‌توانید از آن اجتناب کنید

بنابراین متهور بوده و پابرجا بایستید! عصر بعد از ظهور بهشت با ما است. شما بطور حتم می‌توانید معنای آن تعلیم عیسی را تجربه کنید که می‌گوید، کسانی که زندگیشان را از دست بدهند خواهند زیست و آنهایکه در پی زندگیشان باشند، آن را از دست خواهند داد. بیایید قهرمانانه عزم جزم کنیم تا در هر شرایطی و به هر قیمتی ماموریت مقدس آزادسازی سرزمین پدری و تاسیس پادشاهی صلح، یعنی ایده‌آل آفرینش خدا را بر روی زمین به انجام برسانیم.

لطفاً فرمان بهشتی را که امروز دریافت کرده‌اید در قلبتان حک کنید. از این زمان به بعد در مقام رهبران برگزیده‌ی الهی برای تاسیس سرزمین پدری، شما باید پیمان ببندید که یک زندگی با ارزش و زیبا را پیش خواهید گرفت. تمامی شما حاضرین در اینجا بدون استثناء روزی به دنیای روح خواهید رفت و بطور حتم نمی‌خواهید هیچگونه رفتی را با خودتان به آنجا ببرید.

من امروز پیام خدا برای عصر جدید را به شما ابلاغ کردم. دعا می‌کنم که برکات خدا برای همیشه شامل حال شما، خانواده‌ی شما و ماموریت شما بعنوان فرستادگان ویژه‌ی خداوند باشد.

متشکرم.